****

[ادامه بررسی اجزاء سعی در مسعای جدید 1](#_Toc487622303)

[مقتضای اصل عملی عند الشک 2](#_Toc487622304)

[نظر مختار: برائت از وجوب تعیینی سعی در مسعای قدیم 4](#_Toc487622305)

**موضوع**: شرائط صحت سعی /سعی /حج - واجبات عمره تمتع

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بررسی اجزاء سعی در مسعای جدید

برخی گفته اند که یقین یا بینه داریم این مسعی بین الجبلین بوده است و برخی گفته اند شک داریم و اصل برائت جاری می کنیم به این تقریب که گفته اند جبل الصفا و جبل المروة وضع خاص و موضوع له خاص است، نمی دانیم که عرض آن 10 متر بوده یا 20 متر، هر کدام که بوده باشد، موضوع له جبل صفا همان خواهد بود و شبهه مفهومیه جبل الصفا می شود و شک می کنیم که شارع گفته در عرض 10 متری سعی کن یا عرض 20 متری و دوران بین تعیین و تخییر می شود، و بنابر نظر کسانی که در دوران بین تعیین و تخییر برائت قائلند، این جا نیز اصل برائت از تعین وجوب سعی در عرض 10 متری جاری می شود، مثل مرحوم صدر و آیت الله فیاض و بنا بر هر دو نظریه، سعی در مسعای جدید مجزی است.

ما بنا بر هر دو نظریه اشکالی داریم نسبت به کسانی که قائلند این عناوین به نحو قضایای حقیقیه در احکام شرعیه اخذ شده و ) و لذا مثلا می گویند مقصود از مکه، مکه فعلی است و مقصود از مسجد شجره و احرام از آن، مسجد فعلی است که توسعه پیدا کرده است، بنا بر این نظریه، در ما نحن فیه نیز باید همین مبنا تطبیق شود، چرا که بر فرض که در زمان گذشته مسعای جدید بین الجبلین بوده باشد، اما قطعا امروزه دیگر خبری از کوه صفا و مروه در طرفین مسعای جدید نیست و بنا بر این نظریه، سعی در بین الجبلین به نحو قضیه حقیقیه واجب است و امروزه قطعا بر سعی در مسعای جدید، سعی بین الجبلین صدق نمی کند.

لذا حتی بنا بر نظریه قضیه حقیقیه، حتی شک هم وجود ندارد، زیرا قطعا در مسعای جدید جبلی نیست که صدق سعی بین الجبلین کند.

لذا این که آیت الله سیستانی فرموده: اگر کسی یقین پیدا کند که جبلین تا مسعای جدید امتداد داشته، می تواند در مسعای جدید سعی کند، با این که قائل است این عناوین به نحو قضایای حقیقیه در احکام شرعیه اخذ شده، ناسازگار است، زیرا قطعا امروزه دیگر جبلین تا مسعای جدید امتداد ندارد.

اما اگر ملاک مسعای زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده و مقصود از جبل صفا و مروه به نحو قضیه خارجیه باشد، بحث دیگری مطرح می شود که اگر شهادت معتبری داشته باشیم بر امتداد کوه صفا تا قسمتی که امروزه به عنوان مسعای جدید مطرح است، به آن عمل می کنیم، اما اگر چنین شهادتی نبود و شک کردیم، آیا مقتضای قاعده، جریان اصل اشتغال است یا اصل برائت؟

### مقتضای اصل عملی عند الشک

برخی بزرگان اصل برائت جاری می کنند، به این بیان که جبل صفا اسم مکان مخصوص است از قبیل وضع خاص موضوع له خاص و اگر عرض آن مکان 20 متر باشد، امر به سعی در واقع امر به محدوده 20 متری است و اگر عرض آن 10 متر باشد، به سعی در محدوده 10 متری امر شده است و لذا شک می شود که آیا فقط در محدوده 10 متری باید سعی شود، یا در بیشتر از آن هم جایز است و طبعا از موارد دوران بین تعیین و تخییر می شود.

این مبنی طبق قضیه خارجیه است که جبل الصفا، عنوان مشیر به واقع خارجی زمان شارع است، اما اگر قضیه حقیقیه بدانیم، بعید است کسی بگوید جبل صفا عنوان مشیر به واقع جبل صفا است، زیرا قضیه حقیقیه به عنوان کلی نظر دارد و نه به موجود خارجی زمان شارع و لذا جریان اصل برائت متوقف است بر این که وجوب سعی بین الجبلین را قضیه خارجیه بدانیم.

البته مشهور در دوران بین تعیین و تخییر قائل به وجوب احتیاط هستند، اما عده زیادی از معاصرین همچون محقق خوئی و اکثر تلامذه ایشان قائل به برائت از تعیین هستند، زیرا شک می کنیم که شارع، سعی در خصوص محدوده 10 متر را واجب کرده و یا مسعی توسعه دارد، و برائت از تعین وجوب سعی در مسعای قدیم جاری می شود.

ان قلت: اصل برائت از وجوب سعی در خصوص محدوده 10 متری، با اصل برائت از وجوب سعی در محدوده 20 متری تعارض می کند، زیرا علم اجمالی به وجوب سعی در یکی از دو محدوده داریم. (آیت الله سیستانی)

قلت:

اولا: باید دید اصل برائت از وجوب جامع که سعی در 20 متری باشد، در چه ظرفی جاری می شود؟ ما در ظرف علم اجمالی باید ببینیم جریان این اصل اثر دارد یا نه و نه این که غمض عین از علم اجمالی به وجوب جامع نظر بشود، و در این صورت می بینیم جریان این اصل برائت اثری ندارد، زیرا اگر اثر آن عدم وجوب سعی در هیچ قسمتی از 20 متر باشد، خودش ترخیص در مخالفت قطعیه خواهد شد، نه این که از جمع بین دو اصل، ترخیص در مخالفت قطعیه لازم آید.

و اگر اثر آن، اثبات وجوب سعی در 10 متر باشد که اصل مثبت خواهد بود و لذا علی ای حال جریان اصل نسبت به جامع و 20 متری اثر ندارد که با اصل برائت از سعی در 10 متری تعارض کند.

و گرچه باید اصل را در هر طرف فی حد ذاته دید، اما به این معنا که باید با قطع نظر از جریان اصل دیگر دیده شود، نه با قطع نظر از علم اجمالی، زیرا ما در فرض علم اجمالی می خواهیم اصل جاری کنیم.

آیت الله سیستانی فرموده: اگر دوران بین تعیین و تخییر بود و از طرف معین عاجز شدیم، در این جا برائت از وجوب جامع جاری می کنیم، مثلا اگر شک کنیم که عتق معینا واجب است یا مخیر بین عتق و اطعام هستیم، از عتق که عاجزیم و برائت از جامع می گوید اطعام هم لازم نیست، این کلام ایشان صحیح است، ولی حرف ما این است که جریان اصل نباید با قطع نظر از علم اجمالی باشد.

#### نظر مختار: برائت از وجوب تعیینی سعی در مسعای قدیم

لذا در ما نحن فیه برائت از وجوب تعیینی سعی در مسعای قدیم بلامعارض جاری می شود.

وجه دیگری هم برای جواب از مشهور که قائل به وجوب احتیاط در دوران بین تعیین و تخییر هستند، وجود دارد، غیر از وجه اول که اثر نداشتن برائت از جامع بود، وجه دوم این است که علم به جامع بین تعیین و تخییر عقلا منجز نیست و نیاز به اصل بلامعارض هم ندایم، زیرا گرچه مثلا در مثال دوران وجوب بین تعین عتق و یا تخییر بین عتق و اطعام، عنوان متعلق تکلیف مردد است که عتق رقبه است یا عنوان احدهما، اما آن چه عقلا به عهده می آید، واقع احدهما است و نه عنوان احدهما، پس ما یقین داریم که واقع احدهما به ذمه ما آمده است، یا در ضمن خصوصیت عتق یا لابشرط از خصوصیت عتق، به حساب عنوان حساب کنیم، متباینین می شوند، اما به آن چه عقلا به عهده می آید، واقع احدهما است که قطعا به عهده آمده، یا بشرط شیء عتق رقبه یا لابشرط آن، لذا علم اجمالی منحل می شود، واقع احدهما قطعا به عهده آمده و از وجوب خصوصیت عتق رقبه برائت جاری می شود و هکذا در ما نحن فیه.